

روابط خارجی ایران بادول معظم

در اواخر قرن هجدهم

۱ - روابط ایران باروسیه در زمان جانشیمان کریم خان زند

روابط ایران باروسیه در زمان حکومت خاندان زند بویژه تحت تأثیر دو عامل منازعات روسیه و عثمانی و تمایل روسیه به تصرف ایالات شمالی ایران قرار داشت. باوجود این نیت خصمانه که خطر بالقوه‌ای برای آینده سرزمین ایران بشمار می‌آمد، روابط ایران و روسیه همیشه بر پایه صمیمیت یکجانبه ایران استوار بود. درحالیکه روسها از زمان زندیان اندک‌اندک بر سرزمین‌های آنسوی ارس رخنه کردند و شالوده‌ی نقشه‌های بزرگ‌آینده خود را ریختند.

روابط بازرگانی ایران و روسیه حتی بهنگام تیرگی روابط سیاسی همچنان برقرار بود و حجم مبادلات ایران و روسیه قابل قیاس با حجم کالاهای مبادلاتی ایران با هیچ کشور دیگر نبود. روسها در بحر خزر موفق به ایجاد کفنی دانی نسبتاً مجهزی گشته بودند که از طریق بندر انزلی به ایران رفت و آمد می‌کردند. به علاوه چنانکه از کتب آن زمان برمی‌آید یک نمایندگی بازرگانی دایمی در انزلی برپا کرده بودند که گهگاه در امور داخلی ایران نیز دخالت می‌کردند.

واسطه بازرگانی ایران و روسیه هدایت‌الله خان گیلانی، حاکم گیلان بود که به واسطه خویشاوندی سببی بارهبران زند و قاجار در گیلان به آسودگی حکومت می‌کرد و به علاوه نیروئی که وی از جنگجویان گرجی فراهم آورده بود او را یاری می‌نمود تا دشمنان خود را سرکوب سازد و آرامشی نسبی، حتی در زمانی که سرتاسر ایران در آتش جنگهای داخلی می‌سوخت، در گیلان پدید آورد. این شخص که از حمایت صاحبان کالا در ایران و روسیه برخوردار بود و مسائل مبادله کالاهای ایرانی و روسی را فراهم می‌کرد و از این راه خود نیز به ثروت کلانی دست یافت. (۱)

۱ - سرانجام بهنگام حمله قوای قاجاریه رشت و شکست قوای او، هنگامیکه می‌خواست به یک کشتی روسی که نماینده بازرگانی آن کشور اندکی دور از ساحل نگاه داشته بود پناه برد نماینده مزبور از پذیرش او سر باز زد و وی بدست دشمنانش کشته شد. (گلشن مراد، ورقهای ۱۳۹ و ۱۴۰).

نخستین آگاهی از زنده‌ای که از روابط سیاسی ایران و روسیه در کتب مورخین آن زمان ثبت است، مربوط بسال ۱۱۹۵/۱۷۸۰ است. در این سال، بموجب نوشته محمد تقی ساروی (۱)، چندفروند کشتی روسی بفرماندهی شخصی بنام کرافس، در سواحل نزدیک کراودین (جوردین) اشرف‌النکرانداختند و از باباخان تقاضای قطعه زمینی برای سکونت موقت نمودند. باباخان درغیاب آقا محمدخان که به گیلان حمله برده بود، در خواست آنان را پذیرفت و روسها در قطعه زمین یادشده به ساختن قلعه‌ای پرداختند. لیکن رفتار صمیمانه آنان بامردم، خان قاجار در اهراسان ساخت، و بگمان افکند. زیرا روسها کالاهای ایرانیان را گران می‌خزیدند و کالاهای خود را سخت ارزان به آنها می‌فروختند، بعلوه سیل‌هدایای روسها بسوی بزرگان قاجار سر ازیر شده بود.

این واقعه باباخان را بر آن داشت تا به بهانه بازدید از کشتی‌های روسی به ماهیت سفر روسها به آن ناحیه پی ببرد. در حین همین بازدید بود که کشتی‌های آکنده از سلاح روسی او را به مقاصد نهائی روسها مشکوک و مظنون ساخت. بفرمان او حکمران اشرف (به شهر) فرماندهان روسی را به میهمانی فراخواند و همگی را دستگیر ساخت.

آقا محمدخان در بازگشت از سفر گیلان، ظاهراً چون از واکنش روس‌هاییم داشت دستور داد تا قلعه آنان را ویران کردند، لیکن از سرخونشان درگذشت و دستور داد تا بی درنگه خاک ایران را ترک نمایند. بعلوه یک تن استرآبادی را نیز برای برقراری روابط سیاسی با روسیه همراه کرافس بدان سرزمین گسیل داشت (۲).

در باره صحت این واقعه آنگونه که در کتب مورخین قاجار آمده است نمی‌توان با قطعیت سخنی گفت. زیرا «میدنیست روسها که آشوب و هرج و مرج داخلی ایران را می‌دیدند برای برقراری روابط سیاسی و تجاری با قاجاریان که در آن زمان اندک‌اندک در صحنه پیکارهای داخلی ایران قدرت نمائی می‌کردند به سوی استرآباد آمده باشند تا از همان آغاز در دستگاه قاجاریان رخنه نمایند.

این امکان هست که قاجاریان در برابر سلاحها و کالاهای روسها و سوسه شده و کشتی‌های روسی را غارت کرده و چنین داستانی را اختراع نموده باشند.

بهر حال روسها همیشه طرفدار خاندان زند بودند و بلافاصله پس از آنکه علی‌مراد خان زند توانست بر رقبای خود بیروز شود و قاجاریان از ترس او به مازندران گریختند، سفرای روسی رهسپار اسفهان گردیدند تا علی‌مرادخان را نسبت به اتحاد اتریش و روسیه در برابر امپراطوری عثمانی با خود همدستان سازند. و در عوض استفاده از خاک ایران در لشکرکشی علیه عثمانی، ایران را در فتوحات حاصله شریک خود سازند. ظاهراً در آغاز علی‌مراد خان حاضر شد پیشنهاد های آنان را بپذیرد و بدین گونه اتحادی میان ایران و روسیه برقرار

۱ تاریخ محمدی ورقهای ۵۳ و ۵۴. مؤلف این کتاب وقوع رویداد مزبور را در سال ۱۱۹۲/۱۷۸۲ می‌داند که دو سال خطا کرده است.

۲ - منتظم ناصری (صفحات ۳۸ و ۳۹) فرمانده ناوگان روس را و انویچ می‌نامد و بر آن است که آقا محمدخان به آنها اجازه تأسیس تجارتخانه داد نه بابا خان.

گردد، کنت فریه (۱) فرستاده فرانسه می نویسد اتحاد میان ایران و روسیه و اطیش بوسیله کنت نولی (Noli) فرستاده امپراطوری اطیش یا دولت ایران منعقد شد که بر اساس آن در صورت پیروزی حمله به عثمانی، چند ایالت آن کشور نصیب ایران می گردید. فریه مدعی است که نقشه نقاط استراتژیکی خاک ایران در حمله به عثمانی فایده مورد استفاده قرار می گرفت توسط کنت نولی به دولت ایران اهدا شد. وی که این نقشه را از چنگ مقامات ایرانی خارج ساخت می نویسد که معاهده میان ایران و روسیه و اطیش یک معاهده مخفی بود و بعدها توسط میرزا ربیع وزیر علی مراد خان که در زمان محمد جعفر خان زند برکنار گردید افشا شد (۲).

طبیعی است که دولت فرانسه نمی توانست در برابر این اقدامات حساب شده روس و اطیش ساکت بنشیند. از این رو در سال ۱۷۸۴/۱۱۹۹ فرستاده مخفی لویی شانزدهم کنت فریه دوسوبوف، به اصفهان آمد و برای برهم زدن روابط مصمیمانه ایران و روس شروع به فعالیت نمود. در نتیجه فعالیت های او بود که علی مراد خان اتحاد خود را با روسیه و اطیش برهم زد و از دشمنی با دولت عثمانی خودداری کرد.

ظاهراً در سال ۱۷۸۴ م دو نماینده از جانب دولت روس به ایران آمدند یکی از آنان ژنرال پوتمکین است که در اصفهان از او پذیرائی شایانی شد و علی مراد خان پس از تأمل زیاد با تقاضایش مبنی بر استقرار مأمورین دولت روس در شهر دربند و کسب انحصار تجارت گیلان و مازندران موافقت بعمل آورد (۳).

دیگری شخصی است که میرزا باقر کاشانی از او بنام یعقوب ارمنی نام برده است و گرچه او این واقعه را مربوط بسال ۱۷۸۳/۱۱۹۸ م می داند ولی از مضمون نوشته اش پیداست که این واقعه پس از رخه کنت فریه دوسوبوف بدربار ایران و در سال ۱۷۸۴/۱۱۹۹ م روی داده است (۴). بر اساس نوشته این مؤلف یکاثرین (کاترین) دوم ملکه روسیه از علی مراد خان زند در خواست نمود که در حمله به عثمانی اجازه استفاده از قلمرو ایران بر روسیه اعطا شود. بعلاوه مأمورین ایرانی در سر کوبی اشرار داغستان که مدام مسیحیان را کشت و کشتار می کردند جدیت بیشتری بعمل آورد. علی مراد خان در پاسخ کاترین نوشت که نه به روسیه اجازه استفاده از خاک ایران را خواهد داد و نه به عثمانی. بدینگونه بیطرفی ایران در مناقشات روسیه و عثمانی اعلام داشت. بعلاوه برای توضیح علل رد پیشنهاد روسیه محمد خان مکری همراه فرستاده روس عازم روسیه گردید.

چنانچه پیداست با احتمال زیاد این فرستاده پس از اینکه دولت روسیه از دولتی ایران

1 - Comte de Ferrier - Ssuveboeuf

- ۲ - آرشیو ملی فرانسه، مکاتبات کنسولی، ایران، جلد اول از صفحه ۲۴ الی ۴۲ (گزارش کنت فریه دوسوبوف)
- ۳ - نامه مورخ ۲۰ ژوئن ۱۷۸۴ کنسول فرانسه در بصره، آرشیو ملی فرانسه، مکاتبات کنسولی، جلد اول.
- ۴ - گلشن مراد، ورقهای ۲۱۷ و ۲۱۸

در اتحاد با آن کشور مطلع گردید بایران گسیل شد و بی تردید اظهارات و همدارهای کنت - فریه علی مرادخان را واداشت تا در برابر خواستهای روسیه مقاومت بیشتری از خود نشان دهد .

کنت فریه می نویسد که تغییر تصمیم دولت ایران کاترین دوم را بر آن داشت تا با تمام قوا ، علی مرادخان زند را با دشواریهای داخلی روبرو سازد تا خود بتواند به آسانی از خاک آذربایجان عبور کرده به عثمانی بتازد . وی مدعی است که کاترین دوم با تیمورشاه ، پادشاه ازبکستان ، تماس گرفت و او را برانگیخت تا شوهر خواهر خود ، نصرالله میرزا را ، که از بازماندگان نادرشاه بود و در خراسان حکومت می کرد در پس گرفتن تاج و تخت از خاندان زندیاری کند . در تعقیب این نقشه بود که نصرالله میرزا به علی مرادخان پیام فرستاده که و گنج های نادر در چنگک توست . لیکن بدان که آنها حق من و از آن منست . پس از آنها به خوبی نگاهداری کن که بزودی نزد تو خواهم آمد . کنت فریه مدعی است که هنگامی که پیام مزبور را برای علی مرادخان زند می خوانده اند وی نیز حضور داشته است . (۱)

با این همه در پذیرش صحت آن نباید شتاب کرد زیرا بتأیید کتب مورخین آن زمان میان علی مرادخان زند و بازماندگان نادر روابط حسنه ای برقرار بوده است .

نادرستی برخی از آگاهی های کنت فریه هنگامی آشکار می شد که وی کاترین دوم را به تحریک قاجاریان علیه علیمرادخان زند و نیز تحریک محمدجعفرخان برادر علی مرادخان علیه او متهم می کند . در حالی که هیچیک از این دو صحت ندارد و علی مرادخان خود به جنگ قاجاریان شتافت و شورش جعفرخان دنباله کینه عمیقی بود که میان دو برادر از مدتها پیش پدید آمده بود . شاید کنت فریه برای بزرگ جلوه دادن میزان نفوذ دولت روس در ایران این آگاهی های نادرست را از خود جعل کرده و در اختیار دولت فرانسه قرار داده باشد لیکن پس از مرگ علیمرادخان زند از جریان وقایع بخوبی پیداست که کاترین دوم علاقمند به دخالت مستقیم در امور داخلی ایران بوده و چون اعمال او در جهت دفاع از یکی از دشمنان آقا محمد خان قاجار و کسی است که زمانی متحد خاندان زند بوده است ، شاید بتوان گفت که در زمان جانشین علی مرادخان زند دولت روسیه بار دیگر توانسته بود روابط صمیمانه ای با دولت مرکزی ایران برقرار سازد بخصوص که فرار کنت فریه از ترس روسها گواه بر این است .

شخصی که روسها بدفاع از او برخاستند یکی از برادران آقا محمدخان بنام مرتضی قلی خان قاجار بود که از برادر خود کینه ای دیرینه ای داشت . وی که قبل از یورش آقا محمد خان به مازندران (۱۱۹۳-۱۷۷۹) در این استان مقام برجسته ای داشت بعدها مجبور شد به رهبری آقا محمدخان تن در دهد و سکوت اختیار کند . اما در سال ۱۱۹۸/۱۷۸۳ که قوای علی مرادخان زند مازندران را تسخیر کرد وی راهنمایی ستون اعزامی دولتی را که برای محاصره استرآباد و دستگیری آقا محمدخان بدان سو می شتافت پذیرفت و همراه برادر خود مصطفی قلی خان به خدمت خاندان زند در آمد . شکست سخت قوای زند در استرآباد باعث شد که این دو برادر اقامت بیشتر در مازندران را بصلاح خود ندیدند و همراه شیخ ویس خان

۱ - خاطرات تاریخی و جغرافیایی سفرای ترکیه ، ایران ، عربستان از سال

فرزند علی مراد خان ، به تهران آمدند . ولی مرگ ناگهانی علی مرادخان دو برادر را بر آن داشت تا همراه برادرهدایت‌اله خان کیلانی عازم گیلان شوند . و موقتاً در آنجا اقامت نمایند . نخست مصطفی قلی خان قاجار ، در برابر پیشنهادات صمیمانه آقا محمدخان تسلیم شد و نزد او شتافت لیکن مرتضی قلیخان از رفتن به تهران سر باز زد و همچنان در گیلان ماند . در سال ۱۲۰۰/۱۷۸۵ آقا محمد خان به گیلان لشکر کشید و هدایت‌اله خان کیلانی را کشت . مرتضی قلی خان که اقامت در گیلان را بصلاح خود نمی دید به نواحی بالای رود ارس گریخت .

پیدا نیست که وی از قفقاز به روسیه رفته و از کاترین دوم یاری خواسته یا آنکه مأمورین روسیه در قفقاز او را برای اجرای مقاصد خود مناسب دیده و به یارشاش شتافته باشند . بهر صورت وی در ذیحجه سال ۱۲۰۲ هـ ق ۱۷۸۷ م بیاری حکام شیروان و باکو و نیز افراد ارتش روسیه به گیلان حمله برد . مؤلف گلشن مراد که بمللی از رویدادهای گیلان اطلاعات دقیق و جالبی بدست داده است می نویسد : که ... از جانب پادشاه خورشید کلاه روس که با مرتضی قلیخان کمال محبت قلبی داشت جمعی از سادات با توپخانه و تدارکات ره نور در طریق اعانت گشته و پادشاه والا جاه سابق الذکر در رسوم امداد و اعانت او بویکیلی که در انزلی بود سفارشات بلیغ نمود ... (۱)

مرتضی قلیخان سرعت رشت را تصرف کرد و حاکم آن به قزوین گریخت لیکن اندکسی بعد در برابر حمله جعفر قلی خان قاجار ، برادر خود ، تاب مقاومت نیاورد و از گیلان فرار کرد .

بار دیگر در سال ۱۲۰۵ هـ ق ۱۷۹۰ مرتضی قلیخان به گیلان حمله برد و رشت را بچنگ آورد اما این بازم موفق نشد چندی بپاید و در برابر شایعات حمله آقا محمد خان به گیلان تصمیم به بازگشت به قفقاز گرفت . وی از قفقاز به روسیه رفت و به کاترین دوم پناه برد . ملکه روسیه در نامه ای که به گریم (Grimm) (۲) یکی از درباریانش نوشته است درباره مرتضی قلیخان چنین می گوید:

و نزدیک یکماه است که مرتضی قلیخان شاهزاده ایرانی که آقا محمدخان برادرش وی را از همه دارائیش بی بهره کرده و برای نجات خود بروسیه پناه آورده است مهمان ماست

۱ - گلشن مراد ، ورق ۲۵۱ ، ص ۱

۲ - تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر ، تألیف سید نفیسی جلد اول ، صفحات ۲۸۶ و ۲۸۷

۳ - کاخ معروف تزار روسیه در پترزبورگ که اینک بزرگترین و معروفترین موزه های اتحاد جماهیر شوروی در لنین گراد است .

(گل‌های حسن)

لطیف گونه چو نقش ظریف دبائی
 چو طبع می ، همه آشوبگر بهرجائی
 تو شمع انجمن افروز مجلس آرائی
 ظریف و نغزونوازنده چشم و زیبائی
 میان توده گل‌های حسن ، پیدائی
 گهی بجلوه سیمینه موج دریائی
 بیاب عشق ، تو آن سوسنی که گویائی
 تو دلنواز چو خرم نسیم صحرائی

گشاده روی و نگارین لباس و رعنائی
 چو بوی گل ، همه عشق آفرین بهر کوبی
 توماه انجمن آرای مجلس افروزی
 چون نقش دلکش مینا بگرد زرین جام
 بسان سر خنگل نو شکفته دردم صبح
 گهی بگونه رنگین کمان فروردین
 بود هر آینه سوسن بده زبان خاموش
 من آشنا بغم نی زسان صحرا گرد

(ادیب) را تویی آرام بخش جان امروز

مگر امید نشاط آفرین فردائی

وی مردی نیک دل و مؤدبست . خواهش کرد اجازه یابد ارمیثاژ (Ermitage) (۱) را باز-
 دید کند . سه چهار ساعت پی در پی در آنجا بود و همه چیزهایی را که در آنجا هست دید و بهمه
 آنها مانند خبره واقعی نگاه می کرد . هر چیزی که زیبا تر و عالی تر باشد ، از هر گونه که
 باشد ، وی را مبهوت می کند و هیچ چیز از نظر دقت او فرار نمی کند . خواست ببیند که
 گراور را چگونه می سازند و چگونه با رنگ نقاشی می کنند . این خواهش او را بر آوردند
 و چند ساعت پی در پی همه وقت خود را نزد گراور ساز و نقاش گذراند . پتماشای کارهای رافائل
 (Raphael) هم رفت و درباره تورات سخن می راند و در مطالب آن وقایعی که در کتابهای
 مهد عتیق آمده است آگاهی داشت و سخن می راند ... همه سخنان او همیشه درست و بسیار
 خردمندانه است ...

مورخین خاندان قاجار بر آنند که در جنگهای ایران و روس بسالهای ۱۷۹۴ -
 ۱۷۹۶-۱۲۰۹ و ۱۲۱۱ ه ق وی علیه ایران شرکت کرده بود لیکن اسنادی معتبر در این
 زمینه در دست نیست (۱)

روابط سیاسی ایران و روس از این پس تا جلوس آقا محمدخان قاجار چندان روشن
 نیست . زیرا اولاً خاندان زند دیگر چنان قدرتی نداشتند که بتوانند از مساعدت روسها
 برخوردار شوند و ثانیاً روابط تیره روسها و آقا محمدخان موقتاً بر قراری روابط سیاسی را
 غیر ممکن می ساخت .